

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com

به نام خدا

معرفی و راهنمایی کلی طرح درس «بدیع» و جایگاه آن در میان درس‌های دیگر:

هدف کلی این درس آشنایی با انواع آرایش‌های لفظی و معنوی کلام ادبی و تشخیص نوع آرایه موجود در آن کلام می‌باشد.

در این درس نخست به تعریف بدیع لفظی و معنوی می‌پردازیم و بعد به موضوعات مربوط به آرایش کلام ادبی اعم از تشبیه، سجع، تکرار، تمثیل و... به گونه‌ای که «دانشجویان عزیز بتوانند با یادگیری آنها، مصداق آنها را در متون ادبی بیابند.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

نام درس: بدیع
تعداد واحد درسی: ۲
نام منبع درسی: بدیع
مؤلف: دکتر سیروس شمسیا
تهیه کننده اسلاید: دکتر احمد علی جعفری
(عضو هیأت علمی دانشگاه)

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

بدیع مطالعه در ابزار و شگردها و
فنونی است که باعث ایجاد
موسیقی کلام می‌شوند (در نثر) و
یا موسیقی کلام را افزون‌تر
می‌کنند (در شعر)

بدیع بررسی و شناخت ابزار و
شیوه‌هایی است که به وسیلهٔ
آنها در بین اجزاء کلام
تناسبات و روابط خاصی به
وجود می‌آید.

اجزاء کلام به وسیلهٔ رشته‌ای از
تناسبات و روابط لفظی یا معنایی به
یکدیگر گره می‌خورند و شبکه‌ای
منسجم از ارتباطات آوایی یا معنایی
پدید می‌آید که بدان کلام ادبی
می‌گویند.

۵

«دو کس مردند و حسرت بردند: یکی آن که داشت و نخورد و دیگر آن که دانست و نکرد.» آنچه در این کلام سعدی، موسیقی ایجاد کرده است هماهنگی بین کلمات است که اصطلاحاً بدان سجع گویند.

۶

آنچه در این کلام، موسیقی را
افزون تر کرده است. ترادف صامت
«چ» در آغاز کلمات چمان و چرا و
چمن است که باعث شده است علاوه
بر وزن، موسیقی دیگری هم در کلام
ایجاد شود.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه



به ابزاری که موسیقی کلام را به
وجود می آورند و یا افزون
می کنند و بین اجزاء کلام روابط
هنری به وجود می آورند اصطلاحاً
«صنعت بدیعی» می گویند.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه



بحث در ابزاری (صنایعی) که
موسیقی لفظی کلام را افزون
می کنند یا به وجود می آورند
موضوع «بدیع لفظی» است.

۹

مطالعه در ابزاری که
موسیقی معنوی کلام را به
وجود می آورد موضوع
«بدیع معنوی» است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۰

یکی از ویژگیهای کلام ادبی، داشتن
آهنگ است. اما صرف وجود آهنگ،
کلام را ادبی نمی‌کند. مثلاً مصراف «ز
فروردین چو بگذشتی مه اردیبهشت
آید» دارای آهنگ است اما ادبی
نیست.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

شاعران بزرگ معمولاً با استفاده از یک
یا چند ابزار افزونی موسیقی کلام یا
ابزاری که به کلام انسجامی بیش از
حد معمول می‌بخشد (صنایع بدیعی)
کلام عادی را تبدیل به کلام ادبی
می‌کنند.

۱۲

سعدی در بوستان ناچار بوده است
که به پند و اندرز پردازد. پیداست
که پند و اندرز پردازد. پیداست که
پند و اندرز در اغلب موارد فاقد
جنبه‌های ادبی است و از مقوله کلام
عادی محسوب می‌شود.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۳

اگر کسی بگوید: «هنگامی که زنده هستی به فکر عاقبت خود باش زیرا بعد از وفات، خانواده‌ات از طمع مال تو به فکر تو نخواهند بود.» شعاری در سطح کلام عادی داده است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۴

سعدی می گوید:

غم خویش در زندگی خور که خویش

به مرده نپردازد از حرص خویش

و با تکرار کلمهٔ خویش (سه بار) و

آوردن آن در دو معنی قوم و خود، به

کلام انسجام ادبی داده است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۵

درک انسجام کلام در
بدیع لفظی در گروه توجه
به آواها یا صداهاى کلام
است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۶

در زبان فارسی شش مصوت وجود دارد:

الف) مصوت‌های کوتاه:

ـِ = o

ـَ = e

ـَ = a

ب) مصت‌های بلند:

او = u

ای = i

آ = ā

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۷

صامت‌ها همواره به کمک
مصوت‌ها به صدا در
می‌آیند (تلفظ می‌شوند).

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

آوانویسی

آوانویسی، املايي است که با آن همهٔ اصوات زبان (صامت‌ها و مصوت‌ها) را بتوان دقیقاً نشان داد. آوانویسی با اندک تغییر و تصرفی از الفبای لاتین استفاده می‌شود.

۱۹

در آوانویسی به صورت
مکتوب واژه کاری نداریم
و فقط مسموعات را
بازنویسی می‌کنیم.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۲۰

واک یا واج

به هریک از صداهای زبان (اعم از صامت یا مصوت) یک واک یا واج گویند: دست dast دارای چهار واک یا صداست (حال آنکه در خط فارسی دارای سه حرف است).

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۲۱

هجا مجموعه‌ای از اصوات است
که در یک دم یا بازدم ادا شود.
هجا در زبان فارسی مرکب از
یک مصوت و یک یا دو یا سه
صامت است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۲۲

به کلماتی «هموزن»
گویند که از نظر امتداد
هجاء مساوی باشند.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۲۳

به آخرین واک اصلی هر کلمه
«روی» می‌گویند. «رَوی» در دست،
«ت» است. در «آمدَم»، دال است.
در شیرین، نون است (چون مرکب
بودن آن به ذهن متبادر نمی‌شود).

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

هجای قافیه

هجایی از کلمه که آخرین واک آن،
 واک رَوی است، هجای قافیه نام دارد.
 در کلمه «شکستم» هجای قافیه
 «کست» است. در کلمه «آمد» هجای
 قافیه «مد» است.

۲۵

روش تسبیح به وجود آوردن یا
افزودن موسیقی کلام به وسیله
هماهنگ کردن کامل یا نسبی
کلمات و جملات است.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۲۶

به مصادیق روش تسبیح
در سطح کلمات سجع و در
سطح جملات ترصیح
گویند.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۲۷

سجع به معنی آهنگ است.
به کلامی که بین کلمات
آن هماهنگی باشد کلام
مسجع گویند.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۲۸

مسجّع سخن گفتن
مخصوصاً در بین اعراب
مرسوم بود و عالی‌ترین آن
قرآن مجید است.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۲۹

سجع متوازی: و آن تقابل
کلمات یک‌هجایی است
که فقط در صامت نخستین
مختلف باشند.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۳۰

اگر اختلاف صامت‌های نخستین
ناچیز باشد و به اصطلاح قریب
المخرج باشند سجع متوازی از
دیدگاه جناس بررسی می‌شود:
بست bast / پست past

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

سجع مطرّف. و آن تقابل دو کلمه
است که اولاً یکی از کلمات نسبت به
دیگری هجایی در آغاز بیشتر داشته
باشد و ثانیاً صامت نخستین هجای
قافیه متفاوت باشد.

سجع متوازن: و آن تقابلی کلمات
هم‌هجایی است که اولاً تعداد
امتداد هجاها مساوی باشد و ثانیاً
واک‌های اصلی آخر کلمه حتماً
متفاوت باشند.

۳۳

هرچه واک‌های مشترک بیشتر باشند،
سجع متوازن موسیقایی‌تر است و اوج
آن وقتی است که اختلاف فقط در
واک آخر باشد: عامل / عامد و به این
مورد از دیدگاه جناس نگریسته
می‌شود.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۳۴

فرق سجع متوازن با هم‌هجایی این
است که در سجع متوازن علاوه بر
رعایت تساوی عددی هجاها تساوی
کمی (امتداد) هم شرط است اما در
کلمات هم‌هجا فقط تساوی عددی
کافی است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۳۵

ساختار انواع سجع را با سه فرمول زیر
می‌توان نشان داد:

وزن و روی یکی = سجع متوازی

وزن یکی و روی مختلف = سجع متوازن

وزن مختلف و روی یکی = سجع مطرف

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۳۶

اگر وزن و روی هر دو
مختلف باشند، کلمه از
دیدگاه بدیع لفظی فاقد
ارزش موسیقایی است.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۳۷

به کلامی که جملات آن
هماهنگ باشند نیز کلام
مسجع می گویند.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

ترصیع: هماهنگ کردن دو (یا چند)
جمله است به وسیلهٔ تقابل اسجاع
متوازی:

زبانش توان ستایش نداشت روانش گمان نیایش نداشت
بین زبان و روان، توان و گمان،
ستایش و نیایش، سجع متوازی است.

۳۹

ای منور به تو نجوم جمال
ای مقرر به تو رسوم کمال

در بیت مذکور بین منور و مقرر،
نجوم و رسوم، جمال و کمال
سجع متوازی است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۴۰

موازنه (یا مماثله): هماهنگ
کردن دو (یا چند) جمله به
وسیلهٔ تقابل اسجاع متوازن و یا
مخلوطی از اسجاع متوازن و
متوازی مطرف است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

تضمین المزدوج یا اعنات القرینه: و
آن هماهنگ کردن دو (یا چند) جمله
به وسیله رعایت قافیه در فعل آخر
دو جمله و مجاورت انواع سجع در
حشو هر جمله است.

۴۲

از نظر آماری، نمونه‌های
ترصیع و تضمین المزدوج
بسیار کم و نمونه‌های
موازنه بسیار زیاد است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۴۳

از روش‌های به وجود
آوردن یا افزون کردن
موسیقی کلام، روش
تجنیس است.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۴۴

روش تجنیس مبتنی بر نزدیکی هرچه
بیشتر واک‌های کلمات است. به
طوری که کلمات همجنس به نظر
آیند و شباهت آنها به ذهن متبادر
شود. به مصادیق روش تجنیس،
جناس گویند.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۴۵

دیدي آن ترک ختا غارت دين بود مرا
گرچه عمری به خطا دوست خطابش کردم

در بیت مذکور بین ختا - که نام
ولایتی است - و خطا - به معنای
اشتباه - تجنیس تام است.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۴۶

جناس مرکب: دو کلمه متجانس،
هم‌هجا (هم‌وزن) باشند اما اختلاف در
تکیه داشته باشند، یعنی به قول
دستوریان یکی بسیط یا در حکم
بسیط و دیگری مرکب باشد.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۴۷

هر خم از جعد پریشان تو زندان دلی است
تا نگوئی که اسیران کمند تو کمند

در بیت مذکور بین کمند - به

معنای وسیله شکار - و کمند - به

معنای «کم هستند» - جناس مرکب

است.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۴۸

جناس مرکب در حقیقت
همان جناس تام است زیرا
عین واژه تکرار می شود.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۴۹

جناس مضارع: و آن اختلاف
صامت‌های قریب‌المخرج در
آغاز کلمات هم‌هجا و هم‌واک
است.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۵۰

اگر در سجع متوازی اختلاف
صامت‌های آغازین بسیار کم باشد و
به اصطلاح صامت‌ها قریب‌المخرج
باشند به آن جناس مضارع گویند.
گام / کام، بست / پست، حالی / خالی

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۵۱

که از آن دوری در این دورای کلیم
یا مکش زیرا درازست این گلیم

در بیت مذکور «کلیم» و «گلیم»
جناس مضارع است زیرا صامت
نخست آنها قریب‌المخرج است.

۵۲

چون که شکر گام کرد و ره برید
لاجرم زان گام، در کامی رسید

در این بیت بین «گام» و
«کام» جناس مضارع است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۵۳

جناس ناقص یا محرف: و آن اختلاف
در مصوت کوتاه دو کلمه هم‌هجا و
هم‌واک است:

خَلَقَ / خُلِقَ، مِهْرَ / بِيْرِي / بِبِيْرِي، مَقَامَ / مُقَامًا، دَرْدَ / دُرْدَ

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۵۴

جناس زاید: یکی از کلمات
متجانس نسبت به دیگری واک
یا واک‌هایی در آغاز یا وسط یا
آخر اضافه داشته باشد.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۵۵

جناس مطرف یا مزید: یکی از کلمات
متجانس نسبت به دیگری یک یا دو
هجا در آغاز بیشتر داشته باشد:

کوه / شکوه، قار / منقار، رمیده / آرمیده،

کار / بیکار، قوت / یاقوت، صاف /

مصاف، طاعت / اطاعت

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۵۶

شرف مرد به جود است و کرامت به سجود
هر که این هردو ندارد عدمش به ز وجود

در این بیت بین «جود» و
«سجود» جناس مطرف
است.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۵۷

هرچه کوتاه نظرانند بر ایشان پیمای
که حریفان ز مل و من ز تأمل مستم

در این بیت بین «مل» و
«تأمل» جناس مطرف
است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۵۸

ساز کن مطرب به یاد خسرو مسعود، عود

باده ده ساقی چو فر مملکت افزود، زود

در این بیت بین «مسعود» و «عود»،
«افزود» و «زود» جناس مطرف است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۵۹

فَرْقِ جِنَاسِ مَطْرَفٍ بِاِسْجَعِ مَطْرَفٍ دَرِ
اِیْنِ اِسْتِ کِهْ دَرِ سِجْعِ مَطْرَفٍ صَامِتِ
اَغَاذِیْنِ هِجَایِ قَافِیَهٗ حَتْمًا مُتَغِیْرِ اِسْتِ
مِثْلِ کَارِ / سِتَارِ. اِمَا دَرِ جِنَاسِ مَطْرَفِ
صَامِتِ اَغَاذِیْنِ هِجَایِ قَافِیَهٗ یِکْسَانِ
اِسْتِ مِثْلِ زَارِ / نَزَارِ

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۶۰

به اسجاع متوازنی که اختلاف آنها
فقط در واک روی باشد جناس
مطرف گویند: آزاد / آزار، یاد / یار،
شرار / شراب، طعان / طعام، جام /
جان، خیل / خیر

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۶۱

جناس مذیّل: و آن وقتی
است که واک یا واک‌های
اضافه در آخر باشد.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۶۲

جناس زاید را می توان کلاً
از دیدگاه جناس اشتقاق
نیز بررسی کرد.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۶۳

جناس اشتقاق یا اقتضاب:
کلمات متجانس از حیث
مصوت بلند با یکدیگر فرق
دارند.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۶۴

جناس قلب یا مقلوب: که
آن اختلاف در توزیع
واک‌های مشترک کلمات
است.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۶۵

قلب بعض: آن وقتی است که
جای یک صامت در کلمات
هم‌هجا تغییر کند.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۶۶

قلب کل: در کلمات یک‌هجایی
توزیع واک‌ها درست (یا با یک
اختلاف) وارونه یکدیگر باشد و
آن در حقیقت نوعی موسیقایی از
سجع متوازن است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۶۷

جناس در کلام انواع جناس که تاکنون
بررسی شد همه در سطح کلمه بود، اما
روش تجنیس در سطح جمله یک
مصدّق بیشتر ندارد و آن وقتی است که
تمامی (یا اکثر) کلمات دو جمله یکسان
و یکی دو مورد آن جناس تام باشد.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۶۸

سومین روشی که در نظام بدیعی
لفظی، موسیقی کلام را به وجود
می آورد و یا افزون می کند تکرار
است: تکرار واک، هجا، واژه،
عبارت.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۶۹

تتابع اضافات (یعنی آوردن چند اضافه پشت سرهم)، که در نظر قدما محل فصاحت بوده است، به علت تکرار مصوت کوتاه e که همان هم صدایی است، در شعر فارسی مقبول است:

فغان کاین لولیانِ شوخِ شرین کارِ شهر آشوب

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۷۰

ردالصدر الی العجز: یعنی کلمات اول
و آخر بیت (یا نزدیک به اول و آخر
بیت) یکسان یا مشابه باشد:

عصا بر گرفتن نه معجز بود همی ازدها کرد باید عصا

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

ردالعجزالی الصدر: کلمه آخر بیت (عجز) در
اول بیت بعد (صدر) تکرار شود:

مجنون به هوای کوی لیلی در دشت
دشت به جست و جوی لیلی می گشت
می گشت همیشه بر زبانش لیلی
لیلی می گفت تا زبانش می گشت

۷۲

التزام یا اعنات: در تمام
طول شعر، کلمه
مخصوصی تکرار شود.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۷۳

طرد و عکس یا تبدیل و عکس:
مصراع‌ی را به دو پاره را در مصراع
دیگر برعکس تکرار کنند:

دلبر جانان من، برده دل و جان من
برده دل و جان من، دلبر جانان من

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۷۴

در بدیع لفظی از صنایع دیگری هم
نام برده‌اند که به نظر من ما در ایجاد
یا ارتقای موسیقی کلام نقشی ندارند
و برخی از شاعران از آنها فقط برای
نمودن اقتدار خود در سخنوری
استفاده کرده‌اند.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۷۵

به جناس مطرّف، جناس جناس
اشتقاق نیز می توان گفت.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۷۶

برخی از صنایع بدیع لفظی، جنبه
معنوی هم دارند یعنی از دیدگاه
تناسبات معنایی در بین کلمات هم
قابل بررسی هستند از قبیل طرد و
عکس

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

در مطالعهٔ بدیع معنوی باید به این نکته
توجه یابیم که گاهی انسجام کلام یا
بافت ادبی را به وسیلهٔ آوردن واژه‌هایی
ایجاد می‌کنند که از نظر معنا با هم
رابطه یا روابطی، بیش از آنچه در کلام
عادی لازم است، دارند.

وقتی شاعر می گوید:

من عهد تو، سخت، سست می دانستم

بشکستن آن درست می دانستم

بین کلمه سخت / سست و شکستن /

درست، رابطه تضاد برقرار است. حال

آنکه در سخن گفتن عادی احتیاج به

برقراری چنین روابطی نیست.

بدیع معنوی مطالعه ابزار یا
شگردهایی است که بین اجزاء کلام،
تناسبات و روابط هنرمندانه معنایی به
وجود می آورند و بافت کلام را از
لحاظ معنا منسجم می کنند.

۸۰

از صنایع بدیع معنوی می‌توان با پنج روش زیر بحث کرد:

۱. تشبیه
۲. تناسب
۳. ایهام (تضمّن و اغفال)
۴. ترتیب کلام
۵. تعلیل و توجیه

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۸۱

تشبیه

در این طریقه یا روش، تناسب معنایی
یا موسیقی معنوی بر اثر همانند کردن
امر یا اموری به امر یا امور دیگر
ایجاد می‌شود.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۸۲

مبالغه (اغراق) و غلو:

توصیفی است که در آن افراد یا
تفریط باشد.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۸۳

همین که می‌گوییم «قد او مانند سرو
است» مرتکب غلو شده‌ایم.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۸۴

مبالغه و اغراق و غلو از دیدگاه
دیگری هم جزو مباحث علم بیان
است. به جای این که بگوییم
زیاد گفتیم، می‌گوییم: هزار بار
گفتم.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۸۵

حماسی:

یعنی افراط و تاکید در توصیفی که جزو ذات
آثار حماسی است قهرمان حماسه، فردی
غیرطبیعی است که در مکان‌های غیرطبیعی،
اعمالی غیرطبیعی انجام می‌دهد.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۸۶

مبالغه و غلو در موارد عادی پسندیده نیست و
وقتی جنبه بدیعی می‌یابد که با صنعتی همراه
باشد یا در آن نکته و دقیقه و لطیفه‌ای

نه آن چنان به تو مشغولم ای بهشتی‌روی

که یاد خویشتم در ضمیر می‌آید

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

جمع:

دو یا چند مورد را در صنعتی ادعایی (که بدان جامع گویند) با هم جمع کنند. یعنی دو یا چند امر را در وجهی ادعایی شبیه به هم بدانند و این در حقیقت همان تشبیه مضمَر است.

تفریق:

با انکار شباهت دو امر و اقامهٔ دلیلی
اقتناعی بین آن دو فرق گذارند و
گاهی یکی را بر دیگری تفضیل نهند.

جمع و تفریق یا جمع با تفریق:
نخست با تشبیه مضمَر دو امر را در
صفتی ادعایی جمع کنند و سپس بین
آن دو، فرق نهند:

منم امروز و تو انگشت‌نمای زن و مرد
من به شیرین سخنی، تو به نکویی مشهور

۹۰

جمع با تقسیم: نخست چند امر را
در جامعی جمع کنند، و سپس آنها را
تقسیم کنند، یعنی آن زلف را نشر
کنند، و این معمولاً بدین نحو است
که جامع را در مورد هر یک جداگانه
توضیح دهند.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۹۱

تجاهل العارف:

در اسناد امری به امری یا در تشخیص دو امر کاملاً متباین تردید یا بی‌اطلاعی نشان دهند. علت عدم تشخیص این است که شاعر دو امر را کاملاً شبیه به هم یافته است (تشبیه مضمَر). تجاهل العارف با غلو همراه است.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۹۲

ارسال المثل یا تمثیل:

کلام حاوی ضرب‌المثلی باشد (چه

شاعر از ضرب‌المثلی استفاده کرده

باشد و چه کلام او بعدها

ضرب‌المثل شده باشد).

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۹۳

ساختار ارسال المثل بدین نحو
است: دو جمله بدون ذکر ادات
تشبیه به هم تشبیه شوند و مشبه^{۲۹}
به ضرب المثل باشد.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۹۴

تجسم:

عینی کردن امری ذهنی و به اصطلاح تصویری
کردن آن به وسیله تشبیه مضمراست.

در باطن من جان من از غیر تو بپرید
محسوس شنیدم من، آواز بریدن

انفصال معنوی را به انفصالی مادی که صدای
آن قابل شنیدن باشد تشبیه کرده است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۹۵

حرف گرایبی:

یعنی تشبیه به شکل و موقعیت حروف الفبا:

زلف ترا جیم که کرد؟ آن که او

خال ترا نقطه آن جیم کرد

تا به بالا تو راست چون الفی

ما چو لامیم در میان بلا

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۹۶

روش تناسب

در این روش از صنایعی سخن می‌رود
که اساس آنها تناسبات معنایی بین
اجزاء کلام است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۹۷

مراعات النظیر (تناسب): واژه‌های
کلام اجزایی از یک کل باشند و از
این جهت با هم ارتباط داشته باشند.

دلیم از مدرسه و صحبت شیخ است ملول
ای خوشا دامن صحرا و گریبان چاکی

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۹۸

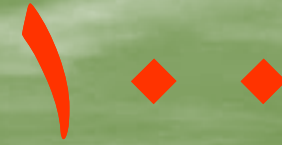
جناس کلمات هم خانواده:

یعنی آوردن کلماتی که به لحاظ
ریشه با هم ارتباط معنایی دارد.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

جناس پسوند: یکی از کلمات
 متجانس نسبت به دیگری سه واک یا
 بیشتر در آخر اضافه دارد و آن واک‌ها
 در حکم پسوند یا شبه پسوند هستند:

غم / غمخوار، ناز / نازنین، نار / ناردان، گل / گلستان



جناس ریشه: واژه‌ها در حداقل سه واک

(دو یا سه صامت و یک مصوت) اشتراک

دارند و به اصطلاح از یک ریشه هستند:

رسل /rosol / رسایل rasāyel، ملک

/melk / مالک /mālek / مملکت

mamlekat

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۰۱

اگر کلمات واقعاً از یک ریشه باشند
به اصطلاح قدما بین آنها صنعت
اشتقاق و اگر واقعاً از یک ریشه
نباشند بین آنها صنعت شبه اشتقاق
است.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۰۲

تضاد (= طباق):

کلمات از نظر معنی عکس و ضد هم

هستند:

من عهد تو سخت، سست می دانستم
بشکستن آن درست می دانستم

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۰۳

این دشمنی ای دوست که با من به جفا

آخر کردی نخست می دانستم

در بیت مذکور بین دشمنی و دوست، و
بین آخر و نخست رابطه تضاد است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۰۴

تلمیح: اشاره به داستانی در کلام
است و دو سخات تشبیه و تناسب
دارد، زیرا اولاً ایجاد رباطه تشبیهی
بین مطلب و داستانی است و ثانياً بین
اجزاء داستان، تناسب وجود دارد.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۰۵

ارصاد و تسهیم:

تناسب بین معانی و الفاظ، آن قدر
واضح باشد که قسمت پایانی بیت،
مخصوصاً قافیه، با توجه به قافیه‌های
قبل، قابل پیش‌بینی باشد.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۰۶

براعت استهلال:

بین مقدمه با موضوع آن تناسب
معنایی اجمال و تفصیل باشد.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۰۷

در مقدمه داستان رستم و سهراب، به مرگ
سوزناک سهراب چنین اشاره شده است:

اگر تندبادی برآید ز کنج

به خاک اوفتد نارسیده ترنج

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۰۸

درج عباراتی از قبیل هوالحی الذی
لایموت در آغاز وصیت‌نامه‌ها و انالیه
راجعون در آغاز آگهی‌های ترحیم،
براعت استهلال است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۰۹

حسن تخلص:

تخلص یا گریز گاه یکی دو بیتی است که
قسمت آغازین قصیده یعنی تغزل و
تشبیب را به مدح می پیوست اگر این
اتصال به نحو لطیف و زیبایی باشد،
صنعت حسن تخلص است.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۱۰

براعت یعنی بلندی و تفوق، و استهلال
به معنی صدای گریه کودک با هر
صدای بلند است و روی هم بلند
کردن صدا و آواز معنی می‌دهد.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۱۱

حشو ملیح (= اعتراض): در طی
کلام، جملهٔ معترضه‌ای آورند که با
مطلب تناسب تام داشته باشد و معمولاً
در آن لطیفه و هنری است:

دی - که پایش شکسته باد - برفت
گل - که عمرش دراز باشد - آمد

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۱۲

بت زنجیر موی از گفتن او

بر آشفت، ای خوشا آشفتن او

در بیت مذکور حشو ملیح است
زیرا آشفتن هم به بت برمی گردد
و هم به موی.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۱۳

صدامعنایی:

آوردن الفاظی که صدایشان مستمع را
به منبع صوت دلالت می کند:

ستون کرد چپ را و خم کرد راست
خروش از خم چرخ چاچی بنخواست

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۱۴

استثنای منقطع: موردی را از موردی
مستثنی کنند بدون این که عقلاً و عرفاً
استثناء صحیح باشد، زیرا مستثنی از
جنس مستثنی منه نیست:

کس از فتنه در فارس دیگر نشان
نجوید مگر فتنه قامت مهوشان

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۱۵

روش ایهام

در این روش کلمات موهم معانی
مختلفند (حداقل دو معنی)

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۱۶

ایهام (= توریه): کلمه‌ای در کلام
حداقل با دو معنی به کار رفته باشد:

ز گریه مردم چشم نشسته در خون است
بین که در طلبت حال مردمان چون است

«مردم» در مصراع دوم به دو معنی
انسان و مردمک چشم به کار رفته است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۱۷

ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم

ای بی‌خبر ز لذت شرب مدام ما

بیت مذکور ایهام دارد زیرا «مدام»
هم به معنای «شراب» و هم به معنای
«همیشه» است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۱۸

امشب صدای تیشه از بیستون نیامد

شاید به خواب شیرین فرهاد رفته باشد

بیت مذکور ایهام دارد زیرا
«شیرین» هم اسم معشوق خسرو
و هم به معنای «لذتبخش» است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۱۹

ایهام تناسب: فقط یکی از دو معنی کلمه
در کلام حضور داشته باشد اما معنی
غایب با کلمه یا کلماتی از کلام رابطه و
تناسب داشته باشد:

یکی را حکایت کنند از ملوک

که بیماری رشته کردش چو دوک

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۲۰

صبر ایوبی ببايد تا ببيند روزگار

همچو دایي مدح‌پردازی ز کرمان آمده

بیت مذکور تناسب دارد زیرا کرمان اسم

زادگاه خواجه است اما در معنی گرمها

که در اینجا مراد نیست با ایوب

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۲۱

هر تیر که در کیشاست گر بر دل ریش آید

ما نیز یکی باشیم از جمله قربانها

بیت مذکور ایهام تناسب دارد زیرا قربان

به معنی قربانی است اما در معنی بند و

تسمه ترکش که در اینجا مراد نیست با

تیر و ترکش تناسب دارد.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۲۲

دوش در حلقهٔ ما صحبت گیسوی تو بود

تا دل شب سخن از سلسلهٔ موی تو بود

این بیت ایهام تناسب دارد زیرا «حلقه» در
این بیت به معنای «مجلس» است اما یکی
دیگر از معانی آن «حلقه زلف» است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۲۳

تا دل هرزه‌گرد من رفت به چین زلف او

زان سفر دراز خود عزم وطن نمی‌کند

بیت مذکور ایهام تناسب دارد زیرا

«چین» در اینجا «جعد و چین و شکن

زلف» است، اما به کشور چین هم ایهام

دارد.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۲۴

اسلوب الحکیم: جمله‌ای را
برخلاف مقصود گوینده حمل کنند
و بنابه دریافت نادرست خود پاسخ
دهند.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۲۵

اساس اسلوب الحکیم بر جناس تام
است لفظی در دو پاره از کلام به دو
معنی مختلف به کار می رود:

گفتمش باید بری نامم ز یاد

گفت آری می برم نامت ز یاد

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۲۶

یکی از فروع روش ایهام، شیوه تضمّن است. بدین معنی که در ضمن مطلبی،

مطلب دیگری نیز به صورت

غیرمستقیم فهمیده شود. یعنی از

خلال واژه یا جمله‌ای، واژه یا جمله

دیگری نیز به ذهن متبادر شود.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۲۷

استتباع: به مدح موجّه (= دورویه) و

ذم موجّه، استتباع گویند یعنی در

ضمن توصیف (مدح یا ذم) صفتی

خاص، از صفت دیگری هم به صورت

ضمنی سخن رود.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۲۸

مثال مدح موجّه

جوانی هنرمند و فرزانه بود

که دروعظ چالاک و مردانه بود

نکونام و صاحب‌دل و حق‌پرست

خط عارضش خوشتر از خط دست

که در ضمن مدح خط عارض، از خوبی خط

دست (خوش‌خطی) هم سخن رفته است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۲۹

گر آتش خشم را حلم تو نکردی کم

زو چرخ دخانستی سیّاره شرارستی

بیت مذکور مدح موجّه دارد زیرا در

ضمن وصف آتش خشم ممدوح به یکی

دیگر از صفات او که حلم باشد نیز اشاره

شده است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۳۰

مثال ذم موجّه

ز میدان چنان تافت روی گریز
که گفتی ز وی خواست سائل پیشیز

مقصود ذکر صفت بزدلی بوده است اما
در ضمن به خست هم اشاره شده است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۳۱

تبادر: معمولاً واژه‌ای از کلام واژه دیگری را که با آن (تقریباً) همشکل یا همصداست به ذهن متبادر کند. معمولاً واژه‌ای که به ذهن متبادر می‌شود با کلمه یا کلمات دیگری اس کلام تناسب دارد.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۳۲

راه عشق گرچه کمینگاه کمین داران است
هر که آهسته رود صرفه زاعدا ببرد

بیت مذکور صنعت تبادل دارد زیرا
اعدا جمع عدو به معنی دشمنان
(دزدان) است، اما به مناسبت صرفه،
عوا را نیز به ذهن متبادر می کند.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۳۳

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو

یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو

بیت مذکور صنعت تبادل دارد زیرا خویش،
خیش را هم به ذهن متبادر می کند که با
مزرع و داس و درو تناسب دارد.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۳۴

گفتم خوشا هوایی کز باد صبح خیزد

گفتا خنک نسیمی کز کوی دلبر آید

بیت مذکور صنعت تبادر دارد زیرا ^هخنک
(خوشا)، خنک (سرد) را هم که با هوا و باد
و نسیم تناسب دارد به ذهن متبادر می کند.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۳۵

چندت نیاز و آز دواند به بر و بحر

دریاب وقت خوش که دریای گوهری

بیت مذکور صنعت تبادل دارد زیرا
دریاب، در یاب را هم به ذهن متبادر
می کند که با دریا و گوهر تناسب دارد.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۳۶

یکی دیگر از فروع روش ایهام شیوه
اغفال است بدین معنی که خواننده
در نظر اول معنایی خلاف مقصود
گوینده را توهم کند و یا در مراد
حقیقی گوینده تردید یابد.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۳۷

مدح شبیه ذم: مقصود مدح است
اما، چون در کلام حروف استثناء و
استدراک از قبیل لیکن، ولی، اما و
کلمات ذمی آمده است، در نظر اوّل
چنین به ذهن متبادر شود که شاید
مراد ذم باشد.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۳۸

ترا پیشه عدل است لیکن به جود

کند دست تو بر خزائن ستم

در بیت مذکور استعمال واژه‌های
«لیکن» و «ستم» مدح را شبیه
به ذم کرده است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۳۹

ذم شبیه به مدح: معنی کلام ذم
است اما چون از حرف استثنا و
کلمات مدحی استفاده شده است، به
نظر می‌رسد که شاید مقصود مدح
باشد.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۴۰

تو به هنگام وفا گرچه ثباتیت نبود

می‌کنم شکر که بر جور دوامی داری

در بیت مذکور آوردن واژه‌هایی
چون: گرچه، وفا، شکر، دوام، موهم
مدح است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۴۱

ذووجهین (یا محتمل الضدین):
وضع و ترکیب و ترتیب لغات به
نحوی باشد که کلام هم معنی مدح
داشته باشد و هم معنی ذم یعنی به
یک احتمال بتوان از آن معنی مدحی
فهمید و به احتمال دیگر معنی ذمی.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۴۲

حسن طلب یا ادب سوال: تقاضای صله
و مال از ممدوح به نحوی باشد که نخست
به ذهن ممدوح نرسد. یعنی غیر مستقیم و
ظریف باشد و حمل بر گدایی نشود:

رسید مژده که آمد بهار و سبزه دمید
وظیفه گر برسد مصرفش گل است و نبید

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۴۳

ترتیب کلام

در این روش ارجاع کلمات به
یکدیگر مبتنی بر نظم و ترتیب خاصی
است.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۴۴

**لف و نشر : نخست چند واژه یا
مطلب را در یک پاره از کلام با هم
بیاورند (لف) و سپس در پاره یا
پاره‌های دیگر کلام توضیح دهند
(نشر).**

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۴۵

مثال لف و نشر مرتب دوتایی:

فروشده به ماهی و بر شد به ماه
بن نیزه و قبّه بارگاه

یعنی بن نیزه به ماهی فروشده و قبّه
بارگاه به ماه بر شد.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۴۶

مثال لف و نشر مشوش دوتایی:

گر دهدت روزگار، دست و زبان زینهار
هرچه بدانی مگوی، هرچه توانی مکن

یعنی با زبان هرچه بدانی مگو و با
دست هرچه توانی مکن.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۴۷

تقسیم لف و نشری است که
در آن ارتباط فقرات نشر با
لف، دقیقاً مشخص باشد.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۴۸

مثال برای تقسیم مرتب:

به من نمود لب و چشم و زلف آن دلبر
یکی عقیق و دوم نرگس و سوم عنبر

در این بیت، «لب» با «عقیق»، «چشم» با
«نرگس» و «زلف» با «عنبر» مربوط است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۴۹

از فروع تقسیم، بیان و تفسیر یا
ایضاح بعد از ابهام است، بدین
نحو که مطلبی مجمل را (که
معمولاً با عدد بیان می‌شود)
تفصیل دهند و بگشایند.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۵۰

امداد (سیاقه‌الاعداد): چند اسم را که متوالیاً ذکر شده‌اند از یک جهت منظور کنند و برای همه یک فعل یا صفت آورند.

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
تا تو نایی به کف آری و به غفلت نخوری

ابر و باد و مه و خورشید را از جهت در کار
بودن برای آدمی در نظر گرفته است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۵۱

تنسيق الصفات:

برای یک اسم، صفات متوالی بیاورند یا
برای یک فعل قیود مختلف ذکر کنند:

فغان کاین لولیان شوخ شیرین کار شهر آشوب
چنان بردند صبر از من که ترکان خوان یغما را

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۵۲

فرق تنسيق الصفات با اعداد اين
است كه در تنسيق الصفات براي
يك امر صفات متعدد آورند، اما در
اعداد براي چند امر يك صفت
آورند.

احمد علي جعفري عضو هيأت علمي دانشگاه

۱۵۳

تنسيق الصفات و اعداد از نظر بدیع
لفظی هم ارزشمندند، زیرا در اعداد
مصوت کوتاه O (واو عطف) یا سکوت
بین اسمها و در تنسيق الصفات مصوت
کوتاه O یا e و یا مکث تکرار
می شود.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۵۴

التفات:

تغییر سخن از غیبت به خطاب یا از
خطاب به غیبت است.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۵۵

روش تعلیل و توجیه

در این روش برای مطالبی که اظهار
می‌شود و توجیه و تعلیل ظریف و لطیفی
(ادبی) ارائه می‌شود.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۵۶

حسن تعلیل: ابتدا باید دانست
که اگر تعلیل در اثری لطیف نباشد
یا جنبه علمی داشته باشد، نمی توان
آن اثر را ادبی دانست.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۵۷

تعلیل در ادبیات اسلوب خاصی دارد
و باید جنبه اقناعی و استحسانی داشته
باشد نه برهانی و علمی، و مبتنی بر
تشبیه باشد (که خود تشبیه مبتنی بر
کذب است).

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۵۸

اگر تعلیل ادبی زیبا نباشد (که
معمولاً هست) به آن حسن
تعلیل گویند:

شب گرنه به همرنگی بودی چو دو زلف تو
کی در شب تاریکم یک لحظه قرارستی

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۵۹

مذهب کلامی:

مطلبی را با قیاس و برهان عقلی و
خطابی اثبات کنند.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۶۰

ما بارگه دادیم این رفت ستم بر ما
بر قصر ستمکاران گویی چه رسد خذلان؟

بیت مذکور صنعت مذهب کلامی دارد زیرا
کنگره قصر مداین می گوید ما که کاخ انوشیروان
دادگر بودیم چنین خرابه شدیم، خود پیدا است که
روزگار با قصر ستمکاران چه خواهد کرد.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۶۱

دلیل عکس: برای مطلبی دلیلی بیاورند
که کاملاً برخلاف انتظار و مخالف عرف
و عادت باشد و این یکی از شیوه‌های
ایجاد طنز است.

حاشا که من به موسم گل ترک می‌کنم
من لاف عقل می‌زنم این کار کی‌کنم؟

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۶۲

سؤال و جواب:

شعر مبتنی بر پرسش و پاسخ یا گفتگو و مکالمه باشد. سوالات یا سخنان باید زیبا و ظریف باشد و مخصوصاً جواب‌ها جنبه ادبی داشته باشد، یعنی در آن نکته‌ای و هنری باشد.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۶۳

در سؤال و جواب پرسش کننده
محکوم و مجاب می شود. مثلاً اگر
سؤال برهانی است باید آن را رد
کنند و اگر جنبه انتقاد دارد باید آن
را توجیه کنند و اگر در آن طلبی
است باید آن را احاله به محال کنند.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۶۴

اگر در سؤال و جواب، مخاطب
کلام گوینده را برخلاف مقصود
او حمل کند، صنعت
اسلوب الحکیم است.

احمد علی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

۱۶۵

در کتب بدیعی از صنایع دیگری هم نام
برده‌اند که جای بحث از بعضی از آنها
در سایر نظام‌های ادبی است مثلاً لغز یا
چیستان و معما و هزل و مطایبه را که در
بدیع معنوی مطرح کرده‌اند باید در
درس «انواع ادبی» بررسی کرد.

احمدعلی جعفری عضو هیأت علمی دانشگاه

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com